

صنعت نشر در شوروی: نتایج گلسنوست

نوشته نادیا زیلپر^۱

ترجمه نازنین قائم مقامی فراهانی^۲

چکیده: سقوط کمونیسم در وضعیت نشر شوروی و اروپای شرقی هرج و مرجی ایجاد کرده که بطور مستقیم روی مجموعه های کتابخانه در سایر کشورها تاثیر گذاشته است. نوسان در قیمتها، گسیختگی در شبکه های توزیع سنتی و عدم وجود کنترل کتابشناختی، باعث شده که تهیه و گردآوری انتشارات ناشران مستقلی که به تازگی پیدا شده اند، بسیار دشوار باشد. در عین حال، آزادی مطبوعات که به تازگی به رسمیت شناخته شده، حضور انتشارات نوجوانی را در پی داشته است. به منظور کمک به کتابداران جهت اینکه خود را با این تغییرات و تحولات هماهنگ کنند، این مقاله به بررسی جامعی از وضع نشر در شوروی و اروپای شرقی می پردازد.

دورنمای تاریخی

برای درک وضعیت فعلی نشر در شوروی، لازم است کتابداران با سیر تحول انتشارات در این کشور آشنا شوند. قبل از گلسنوست، اصول کلی اشاعه اطلاعات در شوروی بر مبنای ذهنیات لتین که مطبوعات را وسیله تبلیغاتی عمومی، تولید کننده هیجان در عامه، و سازمان دهنده توده های کارگری می دانست، (۱) پایه ریزی شده بود. هنگامی که بلشویکها روی کار آمدند، عقاید لتین بلافاصله به موقع اجرا گذاشته شد: چاپخانه های خصوصی به مالکیت دولت در آمدند؛ (۲) حزب کمونیست نقش اصلی در انتشار کتاب را به عهده گرفت؛ (۳) کتابخانه های عمده ای نظیر کتابخانه عمومی سلطنتی در پتروگراد را دولت مصادره کرد؛ و مدیریت کتابخانه به شکل متمرکز در

1. Zilper, Nadia. "The Consequences of Glasnost." *Library Journal*, (May 15, 1991). pp. 44-49

۲. آرشیویست واحد تولید اطلاعات آرشیوها و کتابخانه ها، سازمان صدا و سیما، جمهوری اسلامی

آمد. (۴)

دولت همچنین تمام خبرنگارها و مطبوعاتی را که مطابق با "جریان زندگی و علت وجودی پرولتاریا" نبود تعطیل کرد. طی حکم صادره در تاریخ ۳۰ ژوئن ۱۹۲۰ قرار شد که هر چه منتشر می‌شود تحت نظارت و سرپرستی "مرکز نشر دولتی" ^۳ به طبع برسد و از آن مرکز شماره ثبت دریافت دارد و سپس از "اتاق کتاب" ^۴ که مرکزی دولتی برای کنترل کتابشناختی است مجوز بگیرد. (۵) این حکم در تاریخ اول اوت ۱۹۹۰ لغو شد. علاوه بر سانسور که اجمالا از "یک وسیله معمولی ایدئولوژیکی به ابزاری جهت جلوگیری و توقیف گروههای مخالف دولت بدل شده بود"، (۶) مطبوعات به شیوه‌های دیگری نیز تحت کنترل درآمدند. هر خبرنگار، روزنامه، یا مجله‌ای می‌باید به یک سازمان وابسته می‌بود، و هر یک از سازمانها نیز توسط حزب کمونیست مورد تصفیه و پاکسازی قرار گرفته و انتشارات مربوطه را تحت نظر و سرپرستی خود قرار می‌داد.

در طی این مدت، دو قاعده اصلی دولت خود کامه - یعنی تمرکز و کنترل شدید - بر انتشارات حکمروایی کرد. به هر مرکز نشر تامی اختصاص داده شده بود که می‌باید در زمینه موضوعی خاص فعالیت کند و برنامه‌های تولیدی خود را (که به برنامه‌های موضوعی معروف بود) جهت تأیید دولت و کسب مجوز آماده نماید. در مرحله بعد یک چاپخانه دولتی برای چاپ و سهمیه کاغذ معرفی می‌شد و مراحل کار چاپی را سه موسسه توزیع نشریات - دو موسسه برای توزیع داخلی (برای کتابها و حق اشتراکها) و یک موسسه برای خارج از کشور نظارت می‌کردند. بنابراین چنانچه کتابخانه‌ها عنوانی را پیش از نشر سفارش نمی‌دادند، به احتمال زیاد دیگر موفق به تهیه آن نمی‌شدند، چون کتابها بلافاصله در هنگام نشر نایاب می‌گردیدند.

3. Gosudar stvennoe Izdatel' Stro (State Publishing House)

4. Knizhnaia Palata (Book Chamber)

علاوه بر این، دفتر مرکزی برنامه‌ریزی اقتصاد، مخارج تمام انتشارات را تقبل می‌کرد بدون توجه به اینکه کتابها فروخته می‌شدند یا نه. از هنگامی که دولت شوروی به اهمیت مطالب چاپی به عنوان یک ابزار قدرتمند تبلیغاتی پی برد، سوبسیدهای هنگفتی به امر انتشارات، توزیع و کنترل کتابشناختی اختصاص داد. (۷) این سوبسیدها باعث می‌گشت که مطبوعات ارزان باشند و بنابراین در اختیار تمام اقشار قرار بگیرند.

برای سالها، کتابخانه‌های غرب به طور فعال با نظام خوب تولید و توزیع کتاب در شوروی کار می‌کردند. عمده‌ترین ابزار انتخاب کتاب برای آنها، فهرست کتابهای در دست انتشار یا نویه کینگی (کتابهای تازه)^۵ و برای ادواریها، گتزتیه ژورنالی (خبرنامه‌ها و مطبوعات اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی)^۶ بود. این فهرستها توسط نمایندگان گنجهای بنگاه صادرات و واردات (کتاب بین‌الملل)^۷ - به اختصار مژکینگا^۸ منتشر می‌شدند. غربیها فقط می‌توانستند منابعی را که در این فهرستها درج شده بود تهیه کنند، زیرا فقط مژکینگا حق انحصاری فروش انتشارات اتحاد شوروی را در خارج از کشور را داشت. در عین حال هیچ کتابخانه‌ای در غرب نمی‌توانست مستقیم یا مژکینگا که به نالایقی شهرت داشت، ارتباط برقرار کند. کتابخانه‌هایی که منابع روسی و کشورهای اروپای شرقی را گردآوری می‌کردند، همیشه نیازهای خود را از طریق کارگزاران غربی که منحصرأ با مژکینگا در ارتباط بودند، تأمین می‌کردند.

کشورهای اروپای شرقی در مورد تولید، اشاعه و کنترل کتابشناختی مواد چاپی همان شیوه اتحاد شوروی را در پیش گرفته بودند. بنابراین، غربیها نیز

5. *Novye Knigi (New Books)*

6. *Gazety i Zhurnaly SSSR (Newspapers and Journals of the USSR)*

7. *Mezhdunarodnaia Kniga (International Book)*

8. *Mezhkniga*

متقابلاً از همان شیوه‌هایی استفاده می‌کردند که برای مواجهه با بنگاه‌های صادرات کتاب اتحاد شوروی، ابداع کرده بودند.

گلسنوست چه کرده است

به قدرت رسیدن میخائیل گورباچف در سال ۱۹۸۵، سر آغاز دورمای تازه برای انتشارات اتحاد شوروی شد. اگر خروشچف موجب شده بود که یخهای موجود در زندگی فرهنگی و اجتماعی به طور موقت ذوب شود، گورباچف تابستانی گرم و مرطوب به ارمغان آورد. گلسنوستی که او معرفی کرد، در ابتدا خبری از آزادی مطبوعات نمی‌داد، ولی رفته رفته خبرنامه‌های اتحاد شوروی، مطبوعات، مجلات و مراکز نشر همگی شروع به انتشار مطالبی کردند که پیش از آن در اختیار عموم قرار نمی‌گرفت.

در طی این دوره، نزدیک به ۶۰۰ نشریه ادواری غیر رسمی انتشار یافتند که بیانگر نظرات سیاسی، اجتماعی، و ملی سازمان‌هایی غیر قانونی بودند. در همان هنگام، مطبوعات رسمی قطب بندی بین حامیان آزادبخواهی از یک طرف و هواداران دوران استالیسی را از طرف دیگر آغاز کردند. پاره‌ای از انتشارات رسمی به حال تعطیل درآمد، در حالی که تعداد زیادی نشریات جدید پا به عرصه وجود گذاشتند. تقاضای عموم برای این نشریات به قدری بالا بود که برخی از آنها ناگزیر بودند تیراژ خود را به حد چشمگیری افزایش دهند.

گلسنوست که در آغاز صرفاً به عنوان ابزاری جهت مقابله با حفاظ‌های قدیمی و کهنه شده برژنف، توسط گورباچف، طراحی شده بود، تأثیراتی بر جای گذاشت که مرتباً بزرگ و بزرگتر می‌شد. به اثبات رسیده که حتی نشان دادن قسمت کوچکی از آنچه که در واقع در این دوره به وقوع پیوسته غیر ممکن است. به مجرد اینکه مشت آهنین رژیم نا حدی از فشار خود کاست، روز به روز حقایق بیشتری بر علیه دولت شوروی افشا گردید. قانونی بر علیه

سانسور در تاریخ اول اوت ۱۹۹۰ به تصویب رسید و این در حالی بود که اتحاد شوروی در واقع طعم آزادی مطبوعات را از مدت کوتاهی پیش از آن چشیده بود. به عبارت دیگر دولت راهی جز لغو سانسور نداشت، چون بیش از آن قادر به اعمال آن نبود.

در عین حال، آزادی مطبوعات باید توسط صنایع نشر و توزیع که به طور مستقل عمل می‌کردند و خود کفا بودند نیز مورد حمایت قرار گیرد. متأسفانه، صنایع در اتحاد شوروی هنوز باید برای کسب چنین موقعیتهایی تلاش کنند. در غیر این صورت در طی دوران انتقالی از اقتصاد سوسیالیستی به آنچه که هنوز برای کسی روشن نیست که دقیقاً چه خواهد بود، تغییراتی رخ خواهد داد. هر چند دولت شوروی در تبدیل اقتصاد سوسیالیستی به یک اقتصاد بازار آزاد مکث می‌کند، عملاً صنایع نشر و توزیع بالاچار به واحدهایی آزاد بدل شده‌اند. دولت دیگر توان مالی جهت سوسید دادن به آنها را ندارد و چون دیگر کنترلی روی اطلاعات اعمال نمی‌کند، نیازی نیز به پرداخت این سوسیدها نمی‌بیند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

صعود قیمتها

در حال حاضر بیشتر مراکز انتشاراتی در اتحاد شوروی هنوز متعلق به دولت هستند. اگر چه در بعضی موارد مقداری سوسید پرداخت می‌گردد - به عنوان مثال، پرداخت حقوق کارکنان هنوز توسط دولت انجام می‌شود - لیکن مراکز نشر باید به فکر تأمین مالی برای خود باشند. البته انجام این کار در کشوری که برای هفت دهه سود را تقبیح کرده، چندان ساده نیست. علاوه بر این، مراکز نشر در همان زمانی که به فکر خود کفا بودن هستند، بایستی با افزایش سریع قیمتها نیز روبرو شوند. به عنوان مثال، در حال حاضر باید مالیاتهایی بسیار بالاتر، یعنی تا ۵۴ درصد از سود حاصله را بپردازند. (۸)

بالاخره، اگر چه دولت حمایت ایدئولوژیکی از مطبوعات را از سال ۱۹۸۵ به بعد ادامه داده، ولی در اوایل سال ۱۹۹۱ از انعقاد قرارداد با مراکز نشر سرباز می‌زند. (۹) در نتیجه این مراکز مشتریهای عمده خود را از دست دادند.

روزنامه‌ها نیز با همین مشکلات مواجه هستند. سواپشات^۱، که بنگاه توزیع مطبوعات در داخل کشور است، سوبسیدش قطع شده و در حال حاضر ۵۰/۶ درصد از بهای هر شماره را بابت تحویل آن به خواننده طلب می‌کند. (۱۰) علاوه بر این در تاریخ اول ژانویه ۱۹۹۱، تمام سوبسیدهای دولتی که برای توزیع مطبوعات به خارج از کشور وجود داشت لغو گردید. در حال حاضر مشترکین خارجی باید بهای مطبوعات را با ارز کشورهای غربی بپردازند. همچنین قیمت روزنامه‌ها دو برابر شد و بهای سایر نشریات ادواری نیز به حد چشمگیری افزایش یافته است.

علاوه بر این، هزینه چاپ نیز دو برابر شده است. (۱۱) از آنجا که اقتصاد غیر مؤثر سوسیالیستی در تأمین تکنولوژی جدید برای واحدهای اقتصادی - تجاری با عدم موفقیت روبرو شده، صنعت نشر در حال حاضر با امکاناتی که روزآمد نیستند و فرسوده شده‌اند مواجه گردیده و از این بابت آسیب دیده است. آسیب بیشتر به جهت کمبود کاغذ (۱۲) و مرکب چاپ (۱۳) به این صنعت وارد آمده است. تا همین اواخر فنلاند تهیه کننده عمده کاغذ اتحاد شوروی به شمار می‌رفت، ولی این کشور فعلاً به دلیل اینکه شورویها قادر به پرداخت صورتحسابهای خود نبودند، تولید بیشتر را متوقف ساخته است. در نتیجه، قیمت کاغذ در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی تا ۳۰۰ درصد بالا رفته است. (۱۴)

برای تأمین مخارج، مراکز نشر دست به انتشار کتابهای تویسندگانی

زدهاند که قبلاً ممنوع‌الانتشار بودند و تقاضا برای آثارشان بسیار بالا است. قیمت‌های تجارتی این کتابها - بر خلاف قیمت‌های کتابهایی که سوبسید برای آنها پرداخت می‌شد و به طور مصنوعی پایین نگهداشته شده بود، عملاً بر قیمت‌های بازار تأثیر گذاشته و از صعودی بسیار بالا برخوردار است. در ضمن خبرنامه‌های عمده دولتی، روزنامه‌ها و مجلات ناگزیر شدند که هزینه اشتراك برای سال ۱۹۹۱ را به دو یا سه برابر افزایش دهند. پاره‌ای از انتشارات هنوز از محلهایی که به آن وابسته‌اند سوبسیدهایی دریافت می‌دارند - مثلاً تروود^{۱۰} بر طبق گزارشها نزدیک به ۶۰ میلیون روبل (حدود ۱۰۹ میلیون دلار) از محلی که به آن وابسته است یعنی سازمان مرکزی اتحادیه‌ها^{۱۱} دریافت می‌داشت. (۱۵) با این وجود قیمت این نشریه نیز بالا رفت.

حذف سوبسیدها

قیمت انتشاراتی که سوبسید را از دست دادند خیلی بالا رفته، خصوصاً آنها که عمداً ارتباط خود را با سازمانی که به آن وابسته بوداند قطع کرده‌اند. به عنوان مثال، در ۱۸ سپتامبر ۱۹۹۰، لیتراتورا ناپا گارتا^{۱۲} از اتحادیه نویسندگان شوروی^{۱۳} جدا شد و نام "سکوی آزاد نویسندگان"^{۱۴} را برای خود برگزید. متقابلاً اتحادیه ۳۰ درصد از منافع خبرنامه را بابت اجاره دفتر طلب کرد، همچنین مالیاتها و سایر هزینه‌ها نیز بالا رفتند و خبرنامه ناگزیر شد قیمت را به دو برابر افزایش دهد. (۱۶)

سوبسید نهادهایی چون آکادمی علوم و آکادمی آموزش عالی نیز قطع شد و این برای انتشارات علمی مرتبط به آنها زنگ خطری جدی بود. بدیهی

10. *Irud*

11. Central Union Organization VTS SPS

12. *Literaturnaia Gazeta*

13. Union of Soviet Writers

14. A Free Podium of Writers

است که این انتشارات هزینه بالاتری دارند. این نشریات ممکن است قیمت خود را بر اساس بازار آزاد تعیین کنند، همان طور که در مورد شماره‌های مربوط به تاریخ آکادمی علوم شوروی چنین شده است، یا اینکه کار انتشار را به ناشران غربی واگذار کنند. به عنوان مثال یکی از ناشران غربی به نام السویر^{۱۵} برنامه‌ای جهت نشر انتشارات آکادمی علوم مجارستان در دست دارد. متأسفانه قیمت‌ها السویر به نحو سرسام آوری بالا است.

فروش خارجی

در گذشته، تمامی منافع حاصل از فروش انتشاراتی که با ارزهای غربی به مشتریان خارجی فروخته می‌شد، در اختیار دولت قرار می‌گرفت. از سال ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۰ بعضی از مراکز نشر اجازه یافتند انتشارات خود را به خارج بفروشند و بخشی از منافع حاصله را برای خود نگهدارند. این فرصت اگر چه باعث گردید ارز کسب شده صرف تهیه اجناسی کمیاب نظیر مرکب چاپ، کاغذ و کامپیوتر گردد، ولی انگیزه‌های دیگر برای بالا رفتن قیمت‌ها تا سطح قیمت‌ها در کشورهای غربی گردید.

بنابراین کتابدارانی که مایل به تهیه انتشارات اتحاد شوروی بودند، به ناچار با قیمت‌های بالاتری مواجه گردیدند، اخیراً نرخ اشتراك کتاب و مطبوعات به ارزی که پشتوانه قوی داشته باشد به لحاظ افزایش هزینه تحویل مجلات، به شدت بالا رفته است. در حالی که بیشتر حق اشتراك ادواریها در اتحاد شوروی دو یا سه برابر شده، نرخهای مژکنیگا به دلار به طور متوسط فقط ۱۴ درصد بالاتر رفته است. لیکن باید توجه داشت که قیمت یک نشریه به ارز کشورهای غربی در حال حاضر بسیار بالاتر از قیمت آن در شوروی است. نکته جالب اینکه، در فهرست سال ۱۹۹۰ ادواریهای مژکنیگا، قیمت‌ها به روبل

آمده بود و روی برچسبی نرخ برابری قید شده بود، در حالیکه در فهرست ۱۹۹۱ نرخها به دلار آمریکا آمده است.

شورویها ممکن است قیمت گذاری انتشارات خود را برای بازار داخلی کماکان به روبل و برای فروش خارجی به یکی از ارزهای غربی بدون منظور کردن نرخ برابری، انجام دهند. البته ممکن است چنانچه روبل به صورت ارزی قابل تسعیر درآید این کار به ضرر آنها تمام شود. در هر صورت روبل اعم از اینکه به صورت ارزی قابل تسعیر درآید یا نه، قیمت انتشارات به یکی از ارزهای غربی به منظور فروش خارجی کماکان بالاتر خواهد رفت. هر چند این انتشارات در خارج از بازار غرب ممکن است قیمتهای مناسبی داشته باشند. در هر حال کتابخانه‌های غرب در مجموعه ادواریهای خود و همچنین در مجموعه تک نگاشتها با کم و کسریهایی مواجه خواهند بود، زیرا نمی‌توانند به هماهنگی خود با قیمتهایی که به سرعت بالا می‌روند ادامه دهند.

کانالهای توزیع

نظامهای نشر و توزیع در اتحاد شوروی و اروپای شرقی که کارگزاران غربی و کتابداران ایالات متحده با آنها آشنا بودند، یا در حال حاضر از بین رفته - مانند آنچه در لهستان و مجارستان اتفاق افتاده - و یا اینکه در شرف از هم پاشیدگی است. در واقع بر طبق گزارش شرکت ویکتور کامکین^{۱۶}، اگرار آمریکایی برای انتشارات شوروی، مژکنیگا دیگر یک مؤسسه دولتی بوده، بلکه یک شرکت خصوصی است. البته این گزارش هنوز تأیید نشده است. (۱۷) اینکه آیا مراکز نشر شوروی و سایر دست اندرکاران به فروش انتشارات خود به غرب از طریق مژکنیگا ادامه خواهند داد یا نه، هنوز روشن نیست.

در حال حاضر راههای دیگری نیز پیدا شده است. انجمن توزیع کنندگان کتاب شوروی^{۱۷} که در سال ۱۹۹۰ تشکیل شد، در حال حاضر مشغول بررسی مقرراتی پیشنهادی است که مشتمل بر به رسمیت شناختن حق انجمن و اعضای آن در راه اندازی تجارت آزاد در خارج از کشور می‌گردد. (۱۸) به علاوه، یک سازمان ادبی جدیدالتأسیس موسوم به ورسیا^{۱۸}، به شکلی نا موفق سعی در ایجاد یک شبکه توزیع کتاب مستقل کرد، (۱۹) ولی نتوانست با مشکلات موجود در دنیای تجارت مقابله کند. پیش بینی اینکه در بازار اقتصاد چه بر سر این بنگاهها خواهد آمد، یا اینکه اگر آنها از بین بروند، چه روشهایی برای توزیع جایگزین آنها خواهد شد بسیار دشوار است. در گذشته، مراکز نشر فقط از بابت این نگران بودند که چگونه کارهای خود را با سهمیه چاپی که توسط دولت تعیین شده بود تنظیم کنند، بدون اینکه از امکاناتی نظیر آگهیها، رقابت و فروش به مراکزی غیر از دولت برخوردار باشند. در حال حاضر ناگزیر هستند به سرعت اصول تجارت غربی را که به وضوح با آن بیگانه‌اند دنبال کنند. متأسفانه، این عدم اعتماد موجود در کار تجارت که با مقرراتی دست و پاگیر توأم شده و همچنین غیر قابل تسعیر بودن پول شوروی، مانع از این می‌شود که ناشران غربی و شرکتهای توزیع کتاب به کسب و کار در اتحاد شوروی راغب باشند. در نتیجه، تعداد زیادی از تاجران خصوصی شوروی که جدیداً به این کار پرداخته‌اند، به زودی ورشکست خواهند شد.

جرزی کولچیکی^{۱۹}، صاحب یک کتابفروشی در لندن که کارگزار انتشارات لهستانی است، کمک مالی بلا عوضی از دولت انگلستان دریافت داشت تا نکات و مسائل عملی در تجارت غربی را به طور سازمان یافته به

17. The Association of Soviet Book Distributors

18. Versia

19. Jerzy Kulczycki

ناشران و کارگزاران لهستانی آموزش دهد. کولچیک در نامهای به آنزلیکا پاول^{۲۰}، کتابشناس بخش اسلاو در دانشگاه ویرجینیا توضیح می‌دهد که افزایش ناشران مجاز به همراه آنهايي که بدون مجوز به کار نشر پرداختماند در لهستان امروزی، ما را به این نتیجه می‌رساند که کمتر از پیش ناامید باشیم، ولی در عین حال بازار کتاب و صنعت نشر تقریباً به طور جدی و با سرعت به فروش و تولید کتابهای مستهجن^{۲۱} پر طرفدار و ارزان قیمت دست زده است. مدتی طول خواهد کشید تا صنعت نشر این بحران را از سر بگذراند و کتابهای بهتر منتشر کند.

کنترل کتابشناختی

وضعیت بی‌ثبات نشر در اتحاد شوروی و اروپای شرقی باعث شده که کنترل کتابشناختی به طور جدی به مخاطره بیفتد. این موضوع نتایج ویران کننده برای مجموعه‌های اسلاو و اروپای شرقی در کشورهای غربی به بار آورده است. کتابداران غربی به استفاده از ابزارهایی جهت انتخاب - خصوصاً فهرست مؤکنیگا موسوم به نویه کینگیگ (کتابهای تازه) به منظور آشنایی با انتشارات اتحاد شوروی و اروپای شرقی عادت کرده‌اند. متأسفانه تعداد زیادی از انتشارات شوروی دیگر در فهرست مؤکنیگا و در برنامه‌های موضوعی ناشران راه نمی‌یابند. به علاوه، هیچ‌یک از انتشارات غیر رسمی در کتابشناسیهای ملی آورده نمی‌شوند و به ثبت نمی‌رسند. (۲۰) همچنین درباره کتابهایی که با اشتراك یا همکاری ناشران غربی تولید می‌شود نیز، اطلاعات کمی در دست است.

پیش از این، به دلیل اقتصاد برنامه ریزی شده جدی و سخت، بهترین کتابها و ادواریها عمدتاً در مسکو و لنینگراد منتشر می‌شدند. در حال حاضر

20. Angelika Powell

21. Pornography

انتشارات خوب و جالبی در هر جای دیگر نشر می‌یابند، و عملاً هیچ‌گونه کنترل کتابشناختی روی آنها اعمال نمی‌شود. همچنین اطلاعات چندانی در مورد تعداد کثیر روزنامه‌ها، مجلات و خبرنامه‌هایی که پیش از اول اوت ۱۹۹۰ "غیر رسمی" و پس از آن "مستقل" نامیده می‌شدند در دست نیست. بنابراین کتابداران باید تلاش زیادی به کار برند تا دریابند عملاً چه مواردی در اتحاد شوروی و اروپای شرقی منتشر شده است - که تلاشی است بسیار دشوار و گاه غیر ممکن.

جای شکرش باقی است که ماده ۱۹ قانون جدید مطبوعات ناشران را ملزم ساخته که نسخه‌هایی از مواد چاپی خود را به "اتاق کتاب"، که بنگاه شوروی برای کنترل کتابشناختی است ارسال دارند. (۲۱) امید است که "اتاق کتاب" به انتشار کتابشناسیهای ملی ادامه دهد. این کتابشناسیها با دو سال تاخیر منتشر می‌شوند، و از آن جا که عملاً کتابها به مجرد انتشار در بازار نایاب می‌شوند، می‌توان گفت که این کتابشناسیها ابزاری مناسب برای انتخاب کتاب نیستند. هر چند، حداقل به عنوان منبعی به حساب می‌آیند که از آنچه منتشر شده خبر می‌دهد. "لبق گزارشات"، معلوم شده که این کتابشناسیها از آوردن اسامی انتشارات مستقل اجتناب می‌ورزند.

تهیه منابع

ممکن است بتوان به طریقی به شناسایی انتشاراتی که در کتابشناسیها نیامده‌اند، موفق گردید، ولی عملاً تهیه کردن آنها غیر ممکن است. به عنوان مثال، از ۲۵ کتابی که در نشریه کنیزنو ابوزنی^{۲۲} معرفی شده، بنگاه کتابهای خارجی^{۲۳} که تا همین اواخر یکی از معتبرترین کارگزاران غربی در زمینه

22. Knizhnoe Obozrenie

23. Les Livres Etrangers

انتشارات شوروی به شمار می‌رفت، حتی یک مورد را نیز نتوانست تهیه کند. (۲۲)

به علاوه، انتشارات مستقل جدید نظیر نشریه وستنیک نووآلیتراتوری^{۲۴}، خبرنامه روزنامه‌نگاران لنینگراد به نام چاس پیک^{۲۵}، خبرنامه انجمن نویسندگان لنینگراد موسوم به لیتراتور^{۲۶} و عناوین مشابه دیگر در فهرست ادواریهای مژکنیگای ۱۹۹۱ آورده نشده‌اند. علاوه بر این نام نشریه بسیار خوب ناشه ناسلدی^{۲۷} نیز حذف شده است. فقدان اسامی بسیاری از ادواریها در فهرست مژکنیگا باعث شده که تهیه این نشریات توسط کارگزاران غربی در حال حاضر غیر ممکن باشد.

بدست آوردن ادواریهایی که توبه نومنتشر می‌شوند ممکن است کماکان دشوار باشد. اگر چه که قانون مصوبه اول اوت ۱۹۹۰ سانسور را لغو کرده، ولی هنوز راههایی را برای کنترل مطبوعات باز گذاشته است. از جمله سهمیه بندی کاغذ و وسایل چاپ. مجله ادبی بسیار وزین و معتبر شوروی یعنی توبه میر^{۲۸}، بر طبق گزارشها در شرف نابودی است، زیرا نتوانسته سهمیه کاغذ به نرخ ارزان دولتی تهیه کند و ضمناً قادر به پرداخت قیمت بازار آزاد هم نیست، به این ترتیب دولت می‌تواند نشریات مخالف را با زور به ورشکستگی بکشانند.

بنابراین بعضی از انتشارات مستقل از به ثبت رسیدن اجباری نشریه خود سرباز می‌زنند و باعث می‌شوند که هیچ ضمانتی برای تحویل آنها به مشترکین غربی وجود نداشته باشد.

24. *Vestnik Novoi Literatury*

25. *Chas Pik*

26. *Literator*

27. *Nashe Nasledie*

28. *Novyi Mir*

کارگزاران غربی که به تهیه منابع اسلاو اشتغال دارند، به سختی قادرند در برابر این وضعیت نابسامان مقاومت کنند و برخی از آنها در شرف کناره گیری از این کار هستند. در فوریه ۱۹۹۱، بنگاه کتابهای خارجی در پاریس، که ۵۵ درصد تمامی مجموعه‌های اسلاو برای کتابخانه‌های ایالات متحده و قسمت عمده این مجموعه‌ها برای فرانسه، انگلستان، استرالیا و آفریقای جنوبی را تهیه می‌کرد، ورشکست شد. ۱۲۵ سال از فعالیت این کارگزار می‌گذشت و همیشه خدماتی بسیار خوب ارائه داده بود و در خیلی از موارد غیر قابل جایگزین بود.

دوره انتقال

نتایج بحرانها و تغییر و تحولات کنونی، برای کتابخانه‌های غرب عوارضی به بار آورده است، از آن جمله است افزایش هزینه تهیه منابع، مشکلات کسب اطلاع از انتشارات جدید، موانعی بر سر راه دریافت عنوانها و عدم امکان تهیه بعضی از انتشارات. آنچه موضوع را بغرنجتر می‌کند آن است که تعداد انتشاراتی که ارزش گردآوری دارند احتمالاً بیشتر خواهد بود، زیرا در شرایط فعلی احتمالاً کاهش میزان تولید کتاب در نتیجه تنزل انتشاراتی است که به مسایل ایدئولوژیکی مرتبط هستند. (۲۳)

برغم هرج و مرج در وضعیت موجود، کتابداران موظف به شناسایی، گردآوری، و حفظ و نگهداری منابع مربوط به وقایع انقلابی هستند که در حال حاضر در اتحاد شوروی و اروپای شرقی در شرف وقوع است.^{۲۶} بیشتر مجموعه‌های اسلاو و اروپای شرقی در آمریکا در کتابخانه‌های دانشگاهی متمرکز است. این نهایت بدشانسی است که در حال حاضر بیشتر این کتابخانه‌ها با کاهش بودجه مواجه هستند، آن هم در زمانی که هزینه‌های

به منظور رویارویی با افزایش قیمت‌ها، گردآوری منابع با ارزشی که سابقاً غیر قابل دسترس بودند، تهیه انتشارات مستقل، جستجو برای ابزارهای تهیه و گردآوری، و پیدا کردن ابزارهای جدید انتخاب، مورد نیاز است. در آینده، تهیه منابعی که به موقع خریداری نشدند و لازم است که تهیه شوند نیاز به صرف سرمایه‌های کلان خواهد داشت.

راه حل ساده‌ای برای این منظور در دست نیست. کتابداران مجموعه‌های اسلاو می‌توانند کارگزاران غربی در زمینه کتابهای اسلاو را برای یافتن کانالهایی جهت تدارکات ترغیب و تشویق کنند. همکاری و اشتراک در مجموعه‌سازی که منجر به کمتر شدن هزینه‌ها می‌گردد به شرط اینکه به طوری جامع و کامل صورت پذیرد نیز مفید و قابل بررسی خواهد بود. مبادله کتاب با کتابخانه‌های شوروی و اروپای شرقی شیوه مناسب دیگری - و در بعضی موارد تنها شیوه - برای تهیه منابع به شمار می‌رود. (۲۴) بالاخره از آنجا که ارتباطات بین شرق و غرب در طی چندین سال گذشته به شدت غیر قابل اطمینان بوده است، کتابداران باید برای سفر به اتحاد شوروی و اروپای شرقی مورد تشویق قرار گیرند و در مورد مبادلات به مذاکره بپردازند و به توافقهایی دست یابند تا از این راه تحویل و مبادله منابع تضمین گردد.

به دلیل نتایج تغییرات حاصله در اتحاد شوروی و اروپای شرقی، کتابداران باید نهایت سعی خود را در بدست آوردن منابع مربوط به این وقایع بنمایند، آنها را فهرست‌نویسی کنند و در اختیار استفاده‌کنندگان قرار دهند. جمع‌آوری اطلاعات در مورد تحولات حاصله در این کشورها، کارها را آسانتر می‌کند. شاید کتابداران غربی نیز بد نباشد مانند کولچیکی^{۳۰} عمل کنند و دولت‌های خود را ترغیب نمایند تا امکاناتی جهت تدریس

۳۰ Jerzy Kulczycki کتاب‌فروشی که در زمینه انتشارات لهستانی کار می‌کند و فعلاً در این مقاله

سیوه‌های تجارت غربی فراهم آورد. از این طریق همگی برنده خواهیم بود. (۲۵)

References

1. Lenin, V.I. *Collected Works*. 4th ed., Vol. 10. Foreign Language Publishing House, 1962, p. 46. Lenin stated his understanding of the freedom of the press in such works as "Where To Begin," "Our Immediate Task," and "What Is To Be Done?"
2. *Doklady Sovetskoi Vlasti*. Vol. 1. Gospolitizdat, 1957, p. 24-25. See also VTSIK Resolution on the Press in *ibid.*, p. 43; and SNK Resolution on Moscow Printing Offices in *ibid.*, Vol. 11, 1983, p. 330-331.
3. *Ibid.*, p. 296.
4. *Istoria Bibliotечноgo Dela v SSSR: Dokumenty i Materialy Nachal 1920-1929*. Kniga, 1979, p. 16-17.
5. *Doklady Sovetskoi Vlasti*. Vol. 9, 1978, p. 182-183.
6. *The Soviet Censorship*, ed. by Martin Dewhurst. Scarecrow, 1973, p. 7.
7. Leonard Shatzkin, a publishing consultant, published an excellent article on the Soviet publishing industry prior to and post-perestroika entitled "Plus Ça Change" (*Publishers Weekly*, February 15, 1991, p. S5-S8). He made an attempt to measure the Soviet government subsidies in the following passage: "The American retail price on the [James] Baldwin titles was \$4.95; they were priced in the store at 10.50 rubles. The black market equivalent of \$4.95 is 75 rubles, which indicates the value of the Soviet subsidy" (p. S8). Unfortunately, this article is based on information gathered during the author's visit to the Soviet Union in August 1990 and does not reflect the current changes in the publishing industry that took place after the August 1, 1990 law.
8. Shishigin, M. "Favoritizm i Izgot Knizhnoi Biznisa." *Izvestiya Sovetskoi Narodnykh Deputatov SSSR*, October 7, 1990, p. 7. Shishigin is a president of the Association of Soviet Publishers.
9. *Ibid.*
10. Pushkarev, Viktor. "Do Novykh Vtrech v 1991 Godu." *Soverskaya Turgovlia*, August 30, 1990, p. 1. Pushkarev is the chief editor of this newspaper. See also "Pokusheniya na Glasnost." *Pravda*, August 5, 1990, p. 1.
11. Pushkarev, p. 1. *Literaturnaya Gazeta* reported an 84 percent increase in printing costs. See "Budushchee Pysatel'skoi Gazety." *Literaturnaya Gazeta*, August 8, 1990, p. 1.
12. A.V. Kononov, director of the Syktyvkar Paper Plant, which produces 40 percent of all paper in the USSR, reported that the plant could continue its operations only for a month or a month and a half due to unavailability of chemicals and other components necessary for papermaking. See L. Babichenko. "V Plenu Videniya i Ezhiva." *Knizhnoe Obozrenie*, October 5, 1990, p. 2 & 5.
13. About problems with printers' ink, see "Novyi Defitsit. Tipografskaya Kraska." *Izvestiya Sovetskoi Narodnykh Deputatov SSSR*, September 5, 1990, p. 1.
14. "Sovetskii Tsenzor Menial Li-chnuyu." *Novoe Russkoe Slovo*, August 6, 1990, p. 2. See also Dobbo, Michael. "Soviet Censorship Dead but Showing Signs of Life." *Washington Post*, August 2, 1990, p. A28. Lukashchich, V. "Svoboda Pechati, Rynok i Krasnaya Zvezda." *Krasnaya Zvezda*, August 4, 1990, p. 1.
15. For information on financial problems of *Literaturnaya Gazeta*, see its publications "Budushchee Pysatel'skoi Gazety," August 8, 1990, p. 1; and "K Nashim Chitateliam," August 29, 1990, p. 1.
16. "Subscription to Soviet Journals." *Newsletter on Serials Pricing Issues*, May 18, 1991, electronic newsletter (access via E-Mail TUTTLE@UNC-BETNET).
17. For the text of the project of the Association of Soviet Book Distributors, see "Ustav Assotsiatsii Sovetskikh Knigoizdatsvostranitel'ev. Projekt." *Knizhnoe Obozrenie*, October 5, 1990, p. 3.
18. "Po Slukham i Otslud'no." *Knizhnoe Obozrenie*, October 5, 1990, p. 2.
19. Aleksandr Suetnov, founder of the Moscow Independent Library, recently published a bibliography entitled *Spravochnik Periodicheskoi Samizdaty* (Lz Gubyn, 1990). Although this bibliography is far from complete, it provides information about Soviet periodicals published in the period of glasnost, between 1985, when glasnost was proclaimed, and August 1, 1990, when the law on the press came into effect abolishing censorship.
20. "Zakon Sotruza Sovetskikh Sotsialisticheskikh Respublik o Pechati i drugikh Sredstvakh Massovoi Informatsii." *Izvestiya Sovetskoi Narodnykh Deputatov SSSR*, June 20, 1990, p. 3.
21. *Knizhnoe Obozrenie* reported results of Goskomperchat studies that determined high percentage of good books (judging intellectual content) published on author's expense than among books published by the government. Moreover, Goskomperchat did not find totally unsatisfactory publications among privately published books. See "Gosizdat ili Samizdat?" September 14, 1990, p. 2.
22. Shishigin.
23. Exchange of research materials between Soviet and U.S. libraries began in the 1920s. Exchanges are beneficial for both sides. Soviets never had enough hard currency to acquire Western publications. U.S. libraries have the opportunity to acquire materials that for one reason or another could not be obtained from official channels. For more about exchange programs, see the author's article, "Assessment of Contemporary Exchange Programs Between American and Soviet Libraries" in *Books, Libraries, and Information in Slavic and East European Studies. Proceedings of the Second International Conference of Slavic Librarians and Information Specialists*, ed. by Mariana Tax Choldin. Russica Publishing Series, No. 81, 1986, p. 468-505.
24. The author would like to thank her colleagues Luke Swindler, David Taylor, and Julie Tyler for their help with this article.